

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

گفت و شنود

گفتم دو چشم شست تو دلبر چه شیکند
از تیر شزه ساخته خنجر چه شیکند
گفتا که تیر شزه شن آفت دل است
گفتم لب ت به خون دلم تر چه شیکند
گفتا لبم به خون تو آلوده کی شود
گفتم ز خون دل زده ساغر، چه شیکند
تو نام شن به لب ز تکبر نمیبیری
یک بوسه ام که هست شقّدر چه شیکند
گفتا حرام باد ترا بوسه از لبم
گفتم حلال هست و شقرّر، چه شیکند
گفتم دو ابروی تو که تیغی ست آبدار
گر سر خورد به شن، به دل و سر چه شیکند
گفتا که حیف اگر شود آلوده تیغ شن
با خون تو، بگفتمش آخر چه شیکند
گفتا رها کن آخر ازین شاجرا شرا
کاسباب عشق نیست برابر چه شیکند
گفتم سرم فدای تو اسباب عشق چیست
این حرف بر زبان تو دلبر چه شیکند
گفتا که حرف عشق به پیرانه سرشزن
خاکسترت به باد شد، اخگر چه شیکند
گفتم به اخگری که نهفته ست در دلم
گردد اگر لب تو برابر چه شیکند
گفتا چه تلخ ساخته ای خاطر شرا
این تلخی زبان شکرر چه شیکند
گفتم اگر رها کنم آن زلف عنبرین
دل را که کرده است شسخر چه شیکند

گفتا دل از تو کنده ام آزارش شکن برگشته چشم شن ز تو بنگر چه شیکند
گفتم فدای چشم تو گردم اگر شرا سازد رها ز چنگ تو، دیگر چه شیکند
دیدم خموش شاند ز گفت و شنودش عاقل ازین شعشله بهتر چه شیکند

آن سنگدل «اسیر» اگر دشمنی کند

دنیا گذشتنی ست، به شحشر چه شیکند

(شهر بن - المان، نوشبر ۱۹۹۹ع)